

ادامه از صفحه ۵

وزیر احمدی‌نژاد بگوید چرا بر تولید تراریخته قفل زدند؟

به نظرم مخالفان تولید ملی محصولات تراریخته تلاش زیادی کرده‌اند این موضوع را سیاسی کنند که خوشبختانه موفق نشده‌اند. ببینید انصاف این است که ما اقرار کنیم اول کسی که با تولید ملی محصولات تراریخته مخالفت کرد معصومه ابتکار در دولت اصلاحات بود. او به فاصله چند ماه پیش از مخالفت، از پژوهشکده بیوتکنولوژی کشاورزی بازدید کرده و با سخنرانی و یادداشت‌گرایی آن را مورد تأیید و تأکید قرار داده و مدعی شده بود که تمامی فعالیت‌های این پژوهشکده محیط زیست دوستانه است. ابهامی هم برای وی درباره ورود آژولا به تالاب انزلی ایجاد شده بود که با مشاهده مستندات از شدت فضاسازی و دروغ‌پردازی علیه پژوهشکده و مسئولان آن ابراز تحقیر کرده و قول همکاری داد. اما در اوج تأسف بلافاصله پس از برداشت سمبولیک اولین محصول تراریخته (برنج تراریخته مقاوم به آفات) از سوی معاونان اول رئیس‌جمهوری وقت (دکتر عارف) و احتمالاً تحت تأثیر القانات دو مشاور، دو و سه‌تابعتی‌تی خود در آن هنگام و بدون هر مقدمه‌ای نگاهان اعلام کرد که محصولات تراریخته سرطان‌زا هستند و باید کشت آنها متوقف شود! البته در آن روزگار هیئت وزیران برخورد سختی با ایشان کرد و با تشکیل شورای ملی ایمنی زیستی و واگذاری دبیرخانه آن به وزارت جهاد کشاورزی و انتصاب حقیر به‌عنوان اولین رئیس دبیرخانه شورای ملی ایمنی زیستی و مرجع ملی ایمنی زیستی، این ماجرا را فیصله داد. خام‌پنکار آن جلسه هیئت وزیران را به‌اعتراض ترک کرد. پس از این تاریخ تا امروز خام‌پنکار موضوع را شخصی و خصوصی کرده و هیچ قانون و مصوبه هیئت وزیران و سرزشتی اعضای شورای ملی ایمنی زیستی و نقد همفکران و همراهان را برای توقف فناوری‌هراسی بی‌مبنا علیه محصولات تراریخته نپذیرفته است. به‌همین‌دلیل هم است که در بین مخالفان تولید ملی محصولات تراریخته که اصولاً منتقدان و مخالفان دولت هستند تنها یک چهره محبوب مخالفان دولت شده و او خام‌پنکار است. خب، اما در این سو بلافاصله پس از روی‌کارآمدن دولت محمود احمدی‌نژاد و به‌ویژه پس از انتخاب وزیر جهاد کشاورزی محمدرضا اسکندری و انتصاب رئیس فناوری‌هراس پژوهشکده بیوتکنولوژی کشاورزی کشت محصولات تراریخته به روش غیرقانونی کاملاً متوقف شد و با پژوهشگران ذی‌ربط برخورد شد و آنها را بارها اخراج کردند. مهندس اسکندری مدیران سابق را «مدیران فاسد» می‌نامید. او تقریباً همه مدیران سابق را برکنار کرد و با همه دستاوردهای همه مدیران سابق هم برخورد کرد. او انگیزه‌ای جز کاهش تولید برای افزایش مکش بازار برای واردات بیشتر نداشت. موضوع مخالفت او با تولید ملی به کاشت برنج تراریخته محدود نمی‌شود. برای مثال شما توجه کنید که در سال ۱۳۸۳ و تا نیمه اول سال ۱۳۸۴ که اسکندری وزیر نبود واردات شکر با تعرفه ۱۵۰ درصد بسیار ناچیز بود و ما در مرز خودکفایی کامل در شکر قرار داشتیم. اما در نیمه دوم سال ۱۳۸۴ ناگهان با صفرکردن تعرفه واردات بیش از ۸۰۰ هزار تن و در سال بعد بیش از ۲.۵ میلیون تن شکر وارد کشور شد. چرا کشور و نهادهای امنیتی این موضوع را بررسی نکردند و او امروز راست‌راست راه می‌رود و در درون دولت سمت بالایی دارد و از درون علیه دولت فعالیت می‌کند یکی از عجایب روزگار است. اسکندری دو کار کرد: اول اینکه از رئیس پژوهشکده بیوتکنولوژی کشاورزی که علی‌القاعده باید مرجع بیوتکنولوژی و محصولات تراریخته می‌بود، خواست تا با پژوهشگران ذی‌ربط برخورد کند و تمام بذور تراریخته تولیدشده برنج را در انبار متروکه‌ای جمع‌آوری و آنها را تلف کند. این مأموریت به بهترین نحو انجام شد و در سال ۱۳۹۴ پس از آنکه این‌جانب دوباره مدیریت پژوهشکده را عهده‌دار شدم، گروهی را مأمور تهیه گزارشی در این‌باره کردم که با مستندات و تصاویر نشان می‌داد که قریب به ۱۲۰ تن برنج تراریخته‌ای که در هیچ کسای دنیا نظیر و مثالی نداشته و ندارد در بدترین شرایط خوراک موش و گنجشک و آفات شده است و حتی یک عدد از این بذرها سبز نشدند. اما مهندس اسکندری به‌طور هم‌زمان آگاهانه واردات محصولات تراریخته را رقم زد. واردات ذرت سویا و گلزای تراریخته از زمان وزارت اسکندری رقم خورد. اما او امروز در جرگه مخالفان تولید ملی محصولات تراریخته مدعی شده است که به ۱۱ مرجع امنیتی و نظارتی نامه داده که جلوی کشت محصولات تراریخته را بگیرند. من نمی‌فهمم چرا اصولاً کسی باید برای مطالعه نامه این آقا وقتی را تلف کند. امروز اما موضوع محصولات تراریخته و به‌ویژه تولید ملی آن به هیچ عنوان سیاسی نیست. دوستان و دلسوزان و بزرگانی از هر دو جناح طرفدار تولید ملی محصولات تراریخته هستند. دولت و مجلس یکبارچه بر اجرای قانون ایمنی زیستی تأکید داشته و حتی در برنامه ششم هم با همه تلاشی که شد، به ممنوعیت مطلق محصولات تراریخته رای ندادند و ممنوعیت مندرج در برنامه ششم در چارچوب قانون ایمنی زیستی است که دولت را مکلف به تولید محصولات تراریخته کرده است. برنامه ششم حتی واردات محصولات تراریخته را هم آزاد و دولت را مکلف کرده تا محصولات غذایی تراریخته را مورد بررسی قرار داده و چنانچه زبانی داشتند به مردم اطلاع دهد.

politics@sharghdaily.ir

ادامه از صفحه ۶

البته قبول دارم که با ریاست‌جمهوری دکتر احمدی‌نژاد،

خیلی از خواسته‌های سیاسی بنده و اکثریت نیروهای انقلابی کشور، اجرایی شد و الزاما از هر نوع کمک فکری و حمایت تبلیغاتی از او، دریغ نکردم.

شاید شما آدم معروفی بودید. بازگویی نگاه ویژه شما به مسائل بین‌المللی؛ مثل هولوکاست و فروپاشی آمریکا و محواسرانل از روی نقشه کره زمین از دهان رئیس دولت‌های نهم و دهم، هم جنجال‌ساز بود و هم به شهرت شما افزود؟

شما متن سخنرانی‌های احمدی‌نژاد را می‌نوشتید؟

ما باهم رفیق و همفکر بودیم؛ اما اینکه متن سخنرانی‌هایشان را بنویسم، نه اصلا این‌طور نبود.

در سفرهای اروپایی احمدی‌نژاد را همراهی می‌کردید؟

نه خیر؛ هیچ‌وقت همراه او نبودم.

چرا آن قدر قاطع جواب این سؤال را دادید؟

چون اگر حقیر همراه دکتر احمدی‌نژاد به سفرهای اروپایی و آمریکا می‌رفتم، به‌دلیل حساسیتی که غربی‌ها از قبل نسبت به دیدگاه‌های بنده داشتند، برای خود آقای احمدی‌نژاد، مسئله‌ساز می‌شدم... ضمن اینکه من در اروپا بیشتر از احمدی‌نژاد مشهور بودم و حضور من سبب نادیده‌گرفتن او می‌شد.

شما خودتان او را همراهی نمی‌کردید یا خود احمدی‌نژاد از شما نخواست بود؟

عقل سیاسی حکم می‌کرد که اصلا به فکر همراهی با احمدی‌نژاد در هیچ سفری نباشم و منطق حکیمانه مدیریت‌می ایجاد می‌کرد که او هرگز من را برای همراهی با خودشان دعوت نکند.

احمدی‌نژاد واقعا با شما هم‌نظر بود یا می‌خواست جنجال‌ساز باشد؟

بعثت «جنجال‌آفرینی سیاسی»، خودش یک سیاست کارساز برای برخی سیاست‌مداران جهان است؛ اما درباره دکتر احمدی‌نژاد، به نظرم واقعا فقط نظراتی را که خودش قبول داشت، مطرح می‌کرد؛ یعنی اگر چنانچه اتفاق می‌افتاد، عارضه بود و نه هدف اولیه. خوب است این را بگوییم که اولاً پیشنهادهای بنده، همیشه جنجال‌آفرین نبودند؛ ثانیاً چه بسیار پیشنهادهای که او با موفقیت و بدون هیچ هزینه‌ای، اجرا کرد و کمترین چالشی هم در پی نداشتند.

کدام یک از پیشنهادهایتان مثبت و بدون چالش بود؟

مواردی مانند شعار «رئیس‌جمهوری از جنس مردم» را اوایل سال ۸۴ در برنامه زنده شبکه پنج سیما مطرح کردم.

یعنی سبک لباس پوشیدن احمدی‌نژاد پیشنهاد شما بود؟

نه! نظر بنده و خودشان این بود که می‌توانند از جنس یک رئیس‌جمهور متعارف سیاسی نباشند؛ متفاوت باشند؛ آن هم با ملاک‌های ارزشی و انقلابی.

پیشنهادهایی هم داشتید که احمدی‌نژاد به آنها بی‌توجهی کرده باشد؟

بله، زیاد بودند؛ مثلاً همان شب انتخابات سال ۸۴ که پیروزی ایشان بعد از نیمه‌شب، قطعی شده بود، چند ایده و پیشنهاد به او دادم که نپذیرفتند و ضرر هم کردند؛ مثلاً گفتم شما فردا صبح بعد از اعلام نتایج، بروید سراغ همه کاندیداها و با یک سسته‌کل از مشارکت آنها در برپایی انتخابات باشکوه دور اول و دوم، قدردانی کنید؛ یا به همه کاندیداها حکم مشاورت بدهید؛ ایشان می‌گفت «هاشمی نمی‌پذیرد» و بنده معتقد بودم، هیچ اهمیتی ندارد، مهم صدور احکام است؛ حتی اگر نمادین باشد.

ایده نوشتن نامه به سران جهان هم پیشنهاد شما بود؟

من این ایده را کلی مطرح کرده بودم و پیشنهاد اختصاصی به او نبود.

طرح انکار هولوکاست و محو اسرائیل از روی کره زمین به نظران ایده موفقیت‌آمیزی بود؟

«محو اسرائیل» تعبیر امام خمینی است؛ اما احمدی‌نژاد در طرح ایده «ضرورت بررسی هولوکاست» ابتدا یک اشتباه

لفظی داشت که مدعای هولوکاست به‌طور ضمنی نفی شد؛ حقیر هرگز معتقد به نفی یا تأیید ماجرای هولوکاست نبوده‌ام، بلکه خواستار «بازخوانی» آن بوده و هستم. زمستان سال ۸۴ که در سفر به عربستان، مسئله هولوکاست را «روغ و افسانه» نامید، به طرافت و اقتضات بحث دقت نشد. البته هنوز رئیس‌جمهور وقت از عربستان برنگشته بود که با خبرگزاری فارس مصاحبه کردم و گفتم ایشان باید به‌جای نفی یا تأیید هولوکاست، حقیقت‌یابی آن را از محققان تاریخ اروپا طلب کنند و از سازمان ملل «تشکیل کمیته حقیقت‌یاب بین‌المللی برای بررسی هولوکاست» را درخواست کنند.

شما سخنان او را رد کرده بودید، واکنش احمدی‌نژاد به این اقدام شما چه بود؟

طبیعتاً ابتدا ناخشنود شد، چون تصور کرد که من در مقابل واکنش به فضاسازی‌ها، از نظرم عدول کرده‌ام؛ اما وقتی متوجه طرایف موضوع شد، موضع خودش را اصلاح کرد. اما با شیطن مخالفان داخلی در همراهی با دشمنان خارجی، مدیریت ماجرا پیچیده شد و موضوع «بازخوانی ماجرای هولوکاست» که مورد نظر ما بود، به



عکس: ژولفانه رستمی، شرق

بیشتر از احمدی‌نژاد در اروپا مشهور بودم

نفی هولوکاست» تعبیر و تبلیغ و تحریف شد.

هدفشان از طرح «بازخوانی هولوکاست» چه بود؟

بحث این بوده و هست که چرا غرب در همه این سال‌ها باید در مقام پرسشگر باشد و ما را همواره به پاسخ‌گویی خود وادار کند؟ چرا نباید یک بار هم که شده ما «پرسشگر» باشیم و غربی‌ها را به پاسخ‌گویی در برابر افکار عمومی جهان وادار کنیم؟

هویت کاری شما از انجمن اسلامی دانشجویان خارج از کشور شکل گرفت، الان که سمنی در دانشگاه ندارید ارتباطتان با دانشجویان چگونه است؟

کسی که از نوجوانی، با دانشجویان مرتبط بود، ارتباطش با دانشگاهیان و دانشجویان و فعالان کشور، برای نقش‌آفرینی نیازمند هیچ پُست، حکم و مقامی نیست. من آدم خودکاری هستم و هیچ‌وقت نیازمند حکم نبوده‌ام. ارتباطات اجتماعی بنده، به‌خصوص با دانشجویان، متفاوت، اما متنوع و مؤثرتر شده است.

چرا در دولت اول احمدی‌نژاد سمت رسمی نداشتید و صاحب نام و جایگاه مشخصی نشدید؟

برای اینکه این جایگاه‌هایی که مدنظر دارید، هیچ‌وقت مراد و مطلوبم نبوده است. در انتخابات دوره سوم شوراها، با اصرار، دبیر کمیته سیاسی «رایحه خوش خدمت» شدم؛ از ایجاد آن شکل شبه‌دولتی و پذیرش مسئولیت در آن رضای نبودم؛ من دخالت در امور انتخابات شوراها را نادرست می‌دانستم که به نخستین شکست سیاسی احمدی‌نژاد هم منجر شد.

اولین پیشنهاد برای حضورتان در دولت نهم چه بود؟

گاهی بعضی همکاران دولت، پیشنهادهایی را برای همکاری بنده با دکتر احمدی‌نژاد در میان می‌گذاشتند که خود ایشان با توجه به شناختی که از روحیات داشتند، رد می‌کردند. به‌هرحال مدیریت حواشی «بررسی هولوکاست»، کار سنگینی بود که باید یک نفر انجام می‌داد و جلوی برخی آسیب‌ها را می‌گرفت که قرعه فال به‌نام من بیچاره زدند.

پس چه شد که در دولت دهم معاونت مطبوعاتی وزارت ارشاد را پذیرفتید و به جمع دولتمردان آمدید؟

برای معاونت مطبوعاتی وزارت ارشاد در آن شرایط حاد و استثنایی که رسانه‌های داخل و خارج «آتش‌بار معرکه» شده بودند، شخص مناسبی نبود که اوضاع را کنترل کند؛ وقتی این پیشنهاد به من شد بعد از یک روز مهلت و مطالعه دقیق «قانون مطبوعات»، مسئولیت معاونت ارشاد را به شرطی که فقط شش‌ماهه باشد، پذیرفتم.

البته آقای احمدی‌نژاد تصور می‌کرد که حداقل دو، سه سال وقت لازم است که قانون مطبوعات اصلاح شود، تا امکان مدیریت فضای رسانه‌ای

کشور فراهم شود اما بنده معتقد بودم با همان قانون موجود، می‌توان رسانه‌ها را قانون‌مدار کرد.

چرا تصورتان این بود که رسانه‌ها بی‌قانون منتشر می‌شوند؟

مدیریت «رسانه‌های قانون‌گریز»، بعد از جمع‌کردن اردوکنشی‌های خیابانی، کار پیچیده‌ای بود. اگر آشوب‌های خیابانی و آتش‌زدن مساجد و مغازه‌ها و بانک‌ها در تهران تمام شده بود، اما تعدادی از مطبوعات و برخی خبرگزاری‌ها و سایت‌ها، به فضای آشوب‌طلبی از طریق بازنشر بیانیه‌های کروی، میرحسین موسوی و سخنان هاشمی، دامن می‌زدند و فضای افکار عمومی در سراسر کشور را ملتهب می‌کردند. مسئولیت بنده این بود که طبق قانون مطبوعات رسانه‌ها را از افتادن در دام گروه‌های فتنه‌گر رها کنم.

پس چرا اجرای این مسئولیتان را هرگز متوجه جرایم متعلق به جریان اصولگرا نکردید؟

اتفاقاً رفتار فراجنبی بنده، موجب دلخوری برخی از اصولگرایان شد؛ چنان که از آن پی، آنها بیشتر از رسانه‌های اصلاح‌طلب، من را سانسور کرده‌اند.

انتقال و انعکاس اخبار یکی از وظایف مطبوعات است، شما وقتی مانع انتشار اخبار و حق قانونی مردم و مطبوعات می‌شدید، بطور مدعی می‌شوید که قانون‌مدار بودید؟

برخورد احساسی با مقوله سرنوشت‌ساز «امنیت ملی»، مخاطب را به بیراهه می‌برد؛ بعضی حایت‌گران رسانه‌ای به بهانه «اطلاع‌رسانی آزاد» بر آتش

احساسی در کشورم، پشیمان باشم؟ روزی می‌رسد که قضاوت دیگری، درباره عملکرد بنده در حادثه تلخ فتنه ۸۸ خواهد شد؛ به‌ویژه اگر فتنه دیگری اتفاق بیفتد و کسی جرئت فداکاری نداشته باشد، آن وقت معلوم می‌شود که سوءاستفاده از آزادی مطبوعات چگونه هستی ملت ما را آتش خواهد زد. هنوز آنچه در فتنه ۸۸ می‌دیدم، بازگو نکرده‌ام... فعلاً بگذاریم و بگذریم...
تحلیل‌تان از رفتار محمود احمدی‌نژاد و یاران نزدیکش مانند مشایبی و بقایی پیش و پس از انتخابات اردیبهشت‌ماه ۹۶ چیست؟

وقتی کلیپ «زنده‌باد بهار» آنها منتشر شد، در کانال تلگرامی خودم ذیل آن کلیپ نوشتم: «سه دلک بهاری...» به نظرم رفتاری عاری از بصیرت و فهم سیاسی بود؛ با هیچ عقل و منطقی توجیه‌پذیر نبود. امیدوارم، هرچه زودتر احمدی‌نژاد دوباره خودش را بازیابد و از عوارض و زواید جدا کند.

شما زمانی احمدی‌نژاد را فردی انقلابی می‌دانستید؛ پس از فاصله‌گرفتن از احمدی‌نژاد تاکنون برایتان پیش آمده از همراهی و مشاورت با او احساس پشیمانی کنید؟

زمانی که شخصیتی انقلابی باشد، باید انقلابیون از او حمایت کنند. حمایت از احمدی‌نژاد عاقل انقلابی سال ۸۴ یک وظیفه الهی برای هر مؤمنی بوده است.

احمدی‌نژاد مدام تهدید می‌کند که مدارکی در اختیار دارد که اگر آنها را فاش کند، به نفع نظام نخواهد بود؛ به نظرتان ادعایش صحت دارد؟

فردی که هشت سال رئیس‌جمهور بوده، دور از ذهن نیست که دسترسی به اسناد و مدارک طبقه‌بندی‌شده و برخی اسرار نظام داشته باشد.

فکر می‌کنید احمدی‌نژاد می‌تواند برای امنیت نظام خطر آفرین باشد؟

هرکسی در این جایگاه می‌تواند خطر آفرین باشد؛ پس احمدی‌نژاد هم می‌تواند، اما یک شخصیت رشید سیاسی نمی‌تواند کودکانه و لجوجانه عمل کند؛ انتشار اسناد طبقه‌بندی‌شده و اسرار هر حکومتی، هرکسی را تبدیل به یک عنصر ضد امنیت ملی خواهد کرد.

موضوعی که پس از مدت‌ها توجه رسانه‌ها را به شما جلب کرد، بازداشت یاسین، سپر ارشدتان، به اتهام اخلاص از تابستان سال گذشته بود. ماجرا چه بود؟

ادامه در صفحه ۱۹

ادامه از صفحه اول

ابراهیم دروطن آرام گرفت

از رئیس‌جمهور گرفته تا اسحاق جهانگیری، معاون‌اولش، دست به قلم بردند و در سوگ او نوشتند. حسن روحانی در پیام تسلیتیش آورده بود که در سال‌های سیاه استعمار خارجی و استبداد ستم‌شاهی که تشکیل حکومت دینی و احیای کرامت انسانی آرزویی دست‌نیافتنی به نظر می‌رسید، دکتر یزدی جزء پیشگامان مبارزه در محافل دانشگاهی به شمار می‌آمد. او در ایام هجرت امام راحل به فرانسه در کنار آن حضرت بود و بعد از پیروزی انقلاب نیز در دستگاه اجرایی و مجلس شورای اسلامی انجام وظیفه کرد. در بهارستان هم چهره‌هایی مانند علی مطهری بودند که در پیام‌های تسلیت‌شان برای درگذشت شخصیتی مانند ابراهیم یزدی سوگواری کردند. محمدرضا عارف، رئیس فراکسیون امید، در پیامی درگذشت ابراهیم یزدی را تسلیت گفت. او یزدی را سیاست‌مداری مؤمن و منصف دانست، با وجود این پیام‌ها، نه نماینده‌ای از سوی دولتمردان و نه مطهری و عارف در مراسم بدرقه یزدی حاضر نشدند.

ابراهیم یزدی کی بود؟

یزدی، چهره‌ای متعهد و پاینده به اصول و آرمان‌هایش بود. او شش دهه از عمرش را وقف خدمت به مردم ایران کرد تا مبلغ و مروج گفتمانی باشد که بعد از شهریور ۱۳۲۰ از سوی پیشگامان روشنفکری دینی شکل گرفته بود و چهره‌هایی مانند مهندس بازارگان و دکتر سبحانی و آیت‌الله طالقانی پایه‌گذارانش بودند. او به شاگردی این مکتب درآمد و همه زندگی خود و حتی خانواده‌اش را برای بارورشدن آن به کار گرفت؛ به‌همین‌دلیل هم شخصیت او به یک الگوی چندوجهی سیاسی، اجتماعی و فرهنگی بی‌بدیل تبدیل شد. او پس از تبعید امام به پاریس به مشاورت دانشجویی امام برگزیده شد و از همان‌جا هم معتمد و امین بنیان‌گذار جمهوری اسلامی شد؛ آن‌چنان که به عضویت شورای انقلاب درآمد و بعدها هم از سوی مهدی بازارگان در دولت موقت به وزارت امور خارجه رسید.

او قریب به یک سال بعد در انتخابات مجلس اول نماینده تهران شد و پس از پایان دوران چهارساله نمایندگی‌اش در مجلس اول دیگر فرصت حضور در مجلس و سمت‌های اجرایی و دولتی را به دست نیاورد.

هفته‌بانک‌های اسلامی
گرامی‌باد

اداره کل روابط عمومی و همکاری‌های بین‌الملل

مرکز ارتباط سبز: ۰۲۱-۸۱۳۰۱

www.bki.ir

bank_keshavarzi